گزیده
گردهمایی

دهمین گردهمایی بزرگ مدیران و متخصصان مدیریت کشور برگزار شد

دهمین گردهمایی بزرگ مدیران و متخصصان مدیریت کشور روز شنبه در سالن رازی دانشکده‌ی علوم‌پزشکی تهران به همت دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.
در ابتدای این مراسم دکتر روستاآزاد ضمن خوش‌آمدگویی به حاضرین به ارائه‌ی پیشرفت‌های علم مدیریت در دنیا پرداخت.
مهندس غلامرضا شافعی، رئیس هیئت عامل سازمان گسترش نوسازی صنایع ایران نیز در سخنانی به موضوع چالش‌ها و راهبردهای علم مدیریت درکشور اشاره کرد.
همچنین دکتر علینقی مشایخی دبیر دهمین کنفرانس مدیریت و رئیس انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه نیز به تشریح تولید علم در سازمان‌ها و ارائه نمونه‌هایی از ابتدای پیدایش مدیریت علمی تا امروز پرداخت.
در ادامه‌ی دهمین کنفرانس مدیریت کشور دکتر مسعود نیلی از اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف، تحولات اخیر بازار ارز در کشور را تحلیل و بررسی کرد.
در حاشیه‌ی این گردهمایی نمایشگاهی از آخرین توانمندی‌های کشور و کتب تخصصی این رشته به‌نمایش درآمد.
دهمین کنفرانس مدیریت با ۱۶ عنوان کارگاه و سمینار آموزشی پس از ۲ روز فعالیت در یازدهم دی‌ماه به‌کار خود پایان داد.

گزیده
مسابقه

مسابقه آسمانی‌ترین پیامک

همزمان با روزهای قرعه‌کشی عمره‌ی دانشگاهیان، مسابقه‌ی «آسمانی‌ترین پیامک» ویژه‌ی خاطرات دانشجویی از قرعه‌کشی عمره‌ی مفرده توسط ستاد عمره، برگزار می‌شود.
بر اساس این گزارش، دانشگاهیان می‌توانند با ارسال یک پیامک که بیانگر حالات معنوی آن‌ها قبل، حین و بعد از قرعه‌کشی عمره‌ی دانشگاهیان باشد، از ۹ تا ۱۲ دی‌ماه در این مسابقه شرکت کنند.
دانشجویان برای شرکت در این مسابقه، باید پیامک خود را به شماره‌ی ۳۰۰۰۰۴۲۵ ارسال و در ابتدای آن حتماً عبارت «پیامک آسمانی» را درج کنند.
گفتنی است، هر دانشجو فقط می‌تواند یک پیامک برای شرکت در این مسابقه ارسال کند و در صورت ارسال پیامک دوم، تنها یکی از آن‌ها در مسابقه شرکت داده می‌شود.

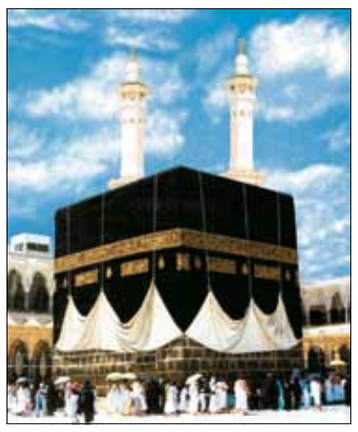

گزیده
اطلاعیه

اطلاعیه‌ی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم در خصوص انتخاب دانشمند جوان برجسته‌ی مهندسی

به‌منظور تحقق بخشیدن به رسالت‌های معطوف به بخش‌هایی از وظایف مندرج در اساسنامه‌ی فرهنگستان علوم، گروه علوم مهندسی اهتمام دارد سالانه در روز مهندسی (۵ اسفند) تعدادی ازدانشمندان جوان برجسته و فعال در حوزه‌ی مهندسی، تقدیر به‌عمل آورد.
بدین‌وسیله از علاقه‌مندان واجد شرایط دعوت می‌شود مطابق با آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی انتخاب دانشمند جوان برجسته‌ی منتخب گروه علوم مهندسی فرهنگستان، نسبت به ارسال مدارک مورد نیاز از طریق رایانامه‌ی engineering@ias.ac.ir اقدام فرمایند. آیین‌نامه‌ی مزبور در همین پایگاه و در صفحه‌ی خانگی گروه علوم مهندسی در دسترس علاقه‌مندان است.

دیدگاه دکتر مقداری درباره‌ی دانشگاه بدون دیوار و با درب های باز

درب ها باز نمی‌شوند مگر آنکه قفل‌ها باز شوند...

در نشریه‌ی داخلی دانشگاه صنعتی شریف مورخ ۱۹ آذر ۱۳۹۱ مطلبی را از قول رئیس محترم دانشگاه صنعتی شریف درباب «طرح پیشنهادی مدل دانشگاه بدون دیوار» مطالعه نمودم که نظرم را به خود جلب کرد. با مطالعه‌ی بیشتر موضوع ناگهان به یاد تقریباً دو دهه‌ی قبل افتادم که برای اولین بار درکشور طرح پارک‌های بدون دیوار توسط شهردار وقت تهران مطرح و به‌تدریج اجرایی و عملیاتی شد. اگرچه این‌گونه طرح‌ها آزمون خود را در کشورهای پیشرفته و درحال توسعه‌ی غربی به‌خوبی پس داده‌اند و دانشگاه و پارک را به جایگاه واقعی خود یعنی متن جامعه آورده‌اند و با فرهنگ‌سازی مناسب منشأ اثرات مثبتی نیز بوده‌اند، اما در جوامع شرقی این‌گونه طرح‌ها هنوزفرهنگ‌سازی و نهادینه نشده‌اند و لازم است در این خصوص تأمل بیشتری به‌خرج داد. همان‌طور که می‌دانیم، در غرب حتی بسیاری از خانه‌های خصوصی مردم نیز بدون دیوارند و شهروندان با اطمینان از قوانین و امنیت حاکم برجامعه، فضای سبز حیاط خود را داوطلبانه به اشتراک گذاشته، درمعرض دید عابران قرار می دهند و با این عمل زیبایی محله‌ی خود را دو چندان می‌کنند.
اگرچه نگارنده‌ی این نوشتار هرگز مخالف طرح دانشگاه بدون دیوار نیست و آن را در صورت پیش‌بینی سازوکارهای مناسب جالب نیز می‌داند، اما طرح موضوع بهانه‌ای شد تا این سؤال مطرح شود که آیا واقعاً مشکل اصلی دانشگاه‌های ما، به‌ویژه دانشگاه‌های برتر و با سابقه، وجود این دیوارهای فیزیکی است؟ با دیوارهای مجازی خود ساخته چه کنیم؟ درب‌های بسته کجا است؟ قفل‌ها کدامند؟ چه عواملی مانع تحرک و پرواز دانشگاه‌های برترند؟ با اندوخته‌ی بیست‌وپنج سال عضویت هیئت علمی در آموزش‌عالی ایران و بیش از یک‌دهه تجربه‌ی مدیریتی درسطح کلان یکی از دانشگاه‌های برتر و با سابقه‌ی کشور، چندین سال است که این موضوع، فکر حقیر را به‌خود مشغول داشته و به کرات از خود پرسیده‌ام: واقعاً، چه عواملی مانع تحول، نوآوری، تنوع‌بخشی، تحرک، و در نهایت پرواز دانشگاه‌های بزرگ ما در دنیای رقابتی امروز هستند؟ چرا دانشگاه‌های ما بر خلاف انتظار و گفته‌ی بزرگانمان آن‌طور که شایسته است منشأ تحول و نوآوری عمیق و در خور شأن و منزلت جمهوری اسلامی ایران نیستند؟ البته منظور از این جمله آن نیست که دستاوردهای چند دهه‌ی گذشته در حوزه‌ی آموزش‌عالی را نادیده بگیریم، بلکه اعتقاد دارم با کمی بازنگری در سیاست‌ها و نگاه‌ها می‌توان دستاوردهایی به مراتب بزرگ‌تر را برای کشور به ارمغان آورد.

تفکری که با اصل شکل گیری دانشگاه‌ها در دنیا در تضاد است با ایجاد محدودیت‌های حرفه‌ای می‌رود تا به‌تدریج دانشگاه‌های مهم ما را به دبیرستان‌ها و مجتمع‌های آموزشی بزرگ مبدل کند

ضمن عرض پوزش از مسئولین محترم مربوط در حوزه‌های مختلف آموزش‌عالی، اجازه می‌خواهم برداشت و یافته‌های تجربی خود را با نگاهی مستقل در این‌جا مطرح و در معرض نقد و بررسی قرار دهم. اگر از بنده سؤال کنند که بزرگترین چالش و مشکل پیشرفت دانشگاه‌های بزرگ و مهم کشور امروز چیست؟ -که البته این سؤال یکی دو بار توسط خبرنگاران از بنده شده است- بودجه؟ تحریم؟ امکانات؟ فضا؟... متأسفم که باید صادقانه در یک جمله پاسخ دهم: بزرگترین مانع برای پیشرفت و پرواز دانشگاه‌های بزرگ و برتر کشور در دنیای امروز را نگاه یکسان‌نگر حاکم بر وزارت‌علوم، تحقیقات و فناوری می‌دانم. از این رو، از باب مقایسه‌ی عملکرد دانشگاه‌های برتر ایران با دانشگاه‌های برتر جهان براین باورم که لازم است برای ایجاد تحول اساسی در دانشگاه‌هایی که نزدیک به نیم‌قرن تجربه یا بیشتر دارند و هرم هیئت‌علمی آن‌ها پشتوانه‌ای نزدیک به ۵۰۰ استاد و عضو هیئت‌علمی را شامل می‌شود از قید دخالت‌های متمرکزگونه‌ی وزارت‌علوم، تحقیقات و فناوری رهایی بخشید تا به‌طور مستقیم زیر نظر شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی و هیئت امنای خود عمل کنند.
شاید بتوان گفت مجموعه‌ی وزارت‌علوم، نماینده‌ی مناسبی برای دانشگاه‌های نوپا و در حال رشد است، ولی شواهد بیانگر آن‌است که این مجموعه درشرایط فعلی به هیچ‌وجه نماینده‌ی مناسبی برای دانشگاه‌های برتر و پیشروی کشور نیست و نه تنها توان کمک به این دانشگاه‌ها را ندارد بلکه با سیاست‌های متمرکزگونه و یکسان‌نگر مانع ایجاد انگیزه وتحرک در این دانشگاه‌ها شده است. آیا این سؤال غیر منطقی است که بپرسیم وزارت علوم برای ارتقای فعالیت‌های دانشگاه‌های برتر چه کرده است؟ یا وزارت علوم چه امکانات ویژه‌ای در اختیار دانشگاه‌های برتر برای رقابت با ۵۰۰ دانشگاه اول جهان قرار داده یا چه نقشی در قرارگیری برخی از این دانشگاه‌ها در لیست ۵۰۰ دانشگاه اول دنیا داشته است؟ غیر از این است که کسب این موفقیت‌ها و دستاوردها مرهون تلاش و کوشش و دوراندیشی اساتید، فارغ‌التحصیلان، مدیران و کارکنان زحمتکش همین دانشگاه‌ها بوده است؟
اصولاً مجموعه‌ی وزارت‌علوم درگذشته و حال همواره با کمبود خلاقیت و نوآوری در آموزش‌عالی روبه‌رو بوده است. در مواردی هم اگر طرح‌های آموزشی-پژوهشی جدیدی در وزارتخانه مطرح و پس از تصویب ابلاغ شده، معمولاً این طرح‌ها ابتدا توسط یکی از همین دانشگاه‌های برتر تدوین و پیشنهاد گردیده است و غالباً با نگاه متمرکز و یکسان‌نگر وزارت‌علوم برای آن‌که به طرح، جامعیت ببخشند تا اکثر دانشگاه‌های تحت پوشش از آن بهره‌مند شوند -که در صورت توانمندی سایر دانشگاه‌ها بدون اشکال است- با کندی هرچه تمام‌تر پیش رفته و گاهی فرصت‌ها دراجرا، قربانی سرعت شده‌اند. مثل آن است که ما انتظار داشته باشیم یک وزنه‌بردار ۱۲۰ کیلوگرمی و یک وزنه‌بردار ۶۰ کیلوگرمی هردو به یک میزان وزنه بلند کنند و برای آن‌که این اتفاق بیافتد تلاش کنیم تا مقدار وزنه‌ها را کاهش دهیم! متأسفانه در تدوین آیین‌نامه‌های مختلف این موضوع به‌وضوح مشهود است. برای مثال، آیین‌نامه‌ی ارتقای اساتید حتماً باید طوری طراحی شود که اساتید در هر نقطه‌ی کشور بتوانند به یک شیوه و امتیاز ارتقا یابند، در صورتی‌که شرایط، امکانات و مأموریت دانشگاه‌ها با هم متفاوت است و طبیعی است شرایط ارتقا در دانشگاه‌های پیشرو و برتر، مشابه دانشگاه‌های برتر دنیا، باید سخت‌تر ازسایردانشگاه‌ها باشد تا این دانشگاه‌ها، پویایی خود را حفظ کنند. ازطرفی، جالب است به این نکته توجه کنیم، چون با کمبود ایده‌های نو در وزارت‌علوم روبرو هستیم، تقریباً هربارکه مجموعه‌ی مدیریتی وزارت‌علوم تغییر می‌کند، کلیه‌ی آیین‌نامه‌ها دوباره از اول باید مطابق با نظر وزیر و معاونت‌های جدید بازنگری و اصلاح شوند. از آیین‌نامه‌ی دوره‌های تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) گرفته تا سایر آیین‌نامه‌های آموزشی و دانشجویی، استخدامی، پذیرش و گزینش دانشجو، فرصت‌های مطالعاتی، ترفیع و ارتقای اعضای هیئت‌علمی، امورفرهنگی، پژوهانه، انتقال یا میهمان و... به‌طوری‌که از نگاه صدور آیین‌نامه و بخش‌نامه، وزارت‌علوم ما شاید از پویاترین وزارتخانه‌های آموزش در جهان باشد! آیا واقعاً دانشگاه‌های برتر دنیا نیز این‌قدر در تغییر آیین‌نامه‌های مربوط و در ایجاد سردرگمی مخاطبین هر دوره فعال هستند؟! یا آن‌که بیشتر وقت خود را صرف خلاقیت و نوآوری در برنامه‌ها و ارائه‌ی خدمات روان‌تر به مخاطبین می‌کنند؟ در تأیید این مطلب، می‌توان از اساتید پیشکسوت نیز که دوران تحصیلات عالیه‌ی خود را در کشورهای پیشرفته‌ی جهان گذرانده‌اند، سؤال کرد. به‌نظر می‌رسد، از آن‌جایی‌که وزارت‌علوم، تحقیقات و فناوری یا همان وزارت‌علوم و آموزش‌عالی سابق در مقطعی از زمان و همراه با شکل‌گیری دانشگاه‌ها درکشور از وزارت آموزش‌وپرورش جدا شده است، علی‌رغم گذشت چندین دهه از آن تاریخ تاکنون و تغییرات مهم در برهه‌های گوناگون، در هر موقعیتی اصرار دارد تا با تفکر متمرکزگونه‌ی به ارمغان آورده از وزارت آموزش‌وپرورش بر دانشگاه‌های کشور حکمرانی کند. اگر چه تفکر حاکم بر آموزش‌وپرورش متناسب با مأموریت و مخاطبان خود موضوع این نقد نیست و احتمالاً مورد تأیید هم هست. تفکری که با اصل شکل‌گیری دانشگاه‌ها در دنیا در تضاد است با ایجاد محدودیت‌های حرفه‌ای می‌رود تا به‌تدریج دانشگاه‌های مهم ما را به دبیرستان‌ها و مجتمع‌های آموزشی بزرگ مبدل کند. در این‌صورت، به‌منظور کاهش هزینه‌ها و سردرگمی دانشگاهیان و کاستن از انتظارات آن‌ها و عدم مقایسه‌ی خود با دانشگاه‌های برتر دنیا همان بهتر، که این وزارتخانه نیز در وزارت آموزش‌وپرورش ادغام گردد و با تشکیل یک وزارت آموزش جدید، امور مربوط به آموزش‌عالی نیز به معاونت آموزش‌عالی درآن سپرده شود. وزارت‌علوم با توجه به روندی که در بسیاری از امور، نظیر جذب و گزینش متمرکز هیئت علمی، اعطای بورس متمرکز دکترا، پذیرش متمرکز دانشجویان دکترا و کارشناسی‌ارشد، سیاست‌های متمرکز ارتقای‌علمی و بازنشستگی اساتید، برنامه‌ریزی متمرکز درسی، دستورالعمل‌های متمرکز فرهنگی، گسترش متمرکز رشته‌های تحصیلی، تخصیص بودجه‌های متمرکز بدون در نظرگرفتن جایگاه، مأموریت و توانمندی‌های هر دانشگاه و ... در پیش گرفته است، دور از انتظار نیست که به‌منظور برقراری به اصطلاح عدالت آموزشی و پژوهشی از دریچه‌ی یکسان‌نگر این وزارتخانه علاوه بر سیلابس‌های درسی، کتابهای درسی کلیه‌ی دانشگاه‌های کشور مشابه آموزش‌وپرورش برای کلیه‌ی مقاطع تحصیلی و عناوین پروژه‌های پژوهشی دانشجویان نیز توسط همین وزارتخانه تدوین و جهت اجرا ابلاغ شوند.

بزرگترین مانع برای پیشرفت و پرواز دانشگاه‌های بزرگ و برتر کشور در دنیای امروز را نگاه یکسان‌نگر حاکم بر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌دانم

هنگامی که دانشگاه آزاد اسلامی با توجه به جایگاه وسیعی که در کشور دارد، دارای یک صندلی و حق رأی در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی است، چرا دانشگاه‌هایی نظیر تهران، صنعتی شریف، امیرکبیر، شیراز، صنعتی اصفهان، تبریز، فردوسی، علم و صنعت، خواجه‌نصیر، شهید بهشتی و تربیت‌مدرس که منشأ اعتبار علمی کشور هستند و پتانسیل پرواز دارند از این موهبت محرومند؟ در دهه‌های گذشته به دفعات مشاهده شده که اعتبار و فعالیت‌های این دانشگاه‌ها علی‌رغم قدمت چند ده‌ساله و بدنه‌ی هیئت‌علمی قوی و شایسته، دستخوش سیاست‌ها و اعمال سلیقه‌های شخصی مجموعه‌ی مدیران رده بالای وزارت‌علوم - اگرچه با نیت خیر- که از نظر کمی و کیفی تعدادشان حداکثر از تعداد انگشتان دو دست هم بیشتر نیست، شده است. آیا در واقع نمی‌توان دانشگاهی به بزرگی و عظمت دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌های برتر کشور را به‌حال خود گذاشت تا خود با مجموعه‌ی نخبگان در اختیار هیئت‌های امنا برای آینده‌ی دانشگاه، مطابق سیاست‌های کلی نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی برنامه‌ریزی دراز مدت و اجرا کنند؟ (بند الف ماده‌ی ۴۹ برنامه‌ی چهارم و تکرارشده در برنامه‌ی پنجم توسعه). امروز، به‌واقع کدام دانشگاه است که برنامه‌ی ده‌ساله دارد؟ و چرا؟ کدام وزیر بوده‌است که به برنامه‌ی پنج یا ده ساله‌ی دانشگاهی که در دولت قبل از خود تدوین و تصویب شده احترام گذاشته باشد؟ واقعیت آن است که در شرایط فعلی از شش‌ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری و تا سه‌ماه پس از آن یعنی مجموعاً حدود نه‌ماه مدیران هیچ‌انگیزه‌ای برای برنامه‌ریزی‌های کلان ندارند، چون نمی‌دانند هستند یا خیر و سیاست‌های وزیر بعدی چیست؟! موضوعی که در هر دوره تکرار می‌شود و همه می‌دانند و با شوخی و مزاح از کنار آن می‌گذرند و متأسفانه هیچ‌کس هم اراده‌ای جدی برای اصلاح این مسیر ندارد. چرا مدیریت کلان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های برتر ما باید به این مقدار وابسته به سلیقه‌ی وزیر وقت باشد؟ چرا به‌منظور ثبات بیشتر مدیران و امکان برنامه‌ریزی دراز مدت، انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های نخبه‌پرورکشور مستقیماً و بر اساس شایسته سالاری، تجربه وتعهد توسط زیرکمیته‌ای نه نفره (مرکب از سه نفر از شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی، سه نفر از اعضای هیئت امنا و سه نفر از شورای دانشگاه مربوط به انتخاب آن شوراها) صورت نمی‌گیرد تا در هر دوره‌ی تغییر دولت، شاهد عزل و نصب‌های سیاسی در مدیریت‌های کلان مراکز علمی شاخص کشور نباشیم؟ وقتی وضعیت خود را با دانشگاه‌های برتر کشورهای پیشرفته مقایسه می‌کنیم، به وضوح شاهدیم که تغییر مدیریت‌های مراکز علمی صرفاً بر اساس عملکرد است و نه تغییر دولت و سیاستمداران. از این رو است که دانشگاه‌های برتر دنیا می‌توانند با برنامه‌ریزی منظم و با پشتوانه‌ی قوی با چالش‌های پیش‌رو به‌صورتی پویا روبه‌رو شوند و جایگاه علمی خود را پیوسته در دنیای رقابتی امروز حفظ کرده یا ارتقا بخشند و محلی برای جذب و پرورش رؤیاهای تحصیلی و پژوهشی نخبگان جوان باشند. دانشگاه‌های برتر ما کانون‌های تفکر و آینه‌ی تمام‌نمای فعالیت‌های علمی کشور در ابعاد ملی و بین‌المللی هستند. با توجه به پختگی و بلوغ ناشی از چند دهه تجربه، باید دست آن‌ها را باز گذاشت و به آن‌ها هویت بخشید تا خود برنامه‌ریزی کنند، نیازهای جامعه را شناسایی و تشخیص دهند و برای پاسخ‌گویی و رفع آن‌ها با هم رقابت کنند. به‌علاوه، آن‌ها با توجه به نوع مأموریت و جایگاهی که در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی دارند، باید آزادی عمل داشته باشند تا همگام با سیاست‌های کلان مجلس، دولت و شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی آیین‌نامه‌های متنوعی برای اداره‌ی دانشگاه، جذب و ارتقای هیئت علمی، اعطای بورس، پذیرش دانشجو و استعدادهای برتر، ایجاد دوره‌ها و رشته‌های نوین، تعاملات بین‌المللی، برنامه‌های متنوع اجتماعی و فرهنگی و تأسیس پردیس‌های جدید دانشگاهی داشته باشند. رؤسا و مدیران دانشگاه‌های بزرگ ما امروز حتی نمی‌توانند درمورد مسائل صنفی دانشگاه خود ابراز نظری متفاوت از سیاست‌های وزارت علوم در رسانه‌ها داشته باشند تا مورد مؤاخذه یا بازخواست مدیران ارشد وزارت قرار نگیرند. درصورتی‌که رؤسای دانشگاه‌های مادر لازم است علاوه بر استقلال رأی در مسائل کلیدی آموزش‌عالی، این توانمندی و اعتقاد را داشته باشند که خود نیز با چالش‌های جامعه روبه‌رو شوند و با قدرت، پاسخگوی سیاست‌ها و تصمیم‌های مثبت و منفی مجموعه‌ی تحت مدیریت خود باشند. به‌علاوه، این باور وجود دارد که در دانشگاه‌های بزرگ و برتر ما به اندازه‌ی کافی اساتید متعهد، محافظه‌کار، دلسوز و آشنا با مسائل کشور وجود دارد که درتصمیم‌ها، صلاح دانشگاه و کشور را در نظر بگیرند. آیا واقعاً لزومی دارد که فردی به‌عنوان وزیرعلوم پاسخگوی تصمیمات و عملکرد آن‌ها در جامعه، مجلس و دولت باشد؟ چه تعداد از وزرای علوم ما درگذشته و حال تجربه‌ی ریاست حتی یک دانشگاه متوسط را داشته‌اند که ما چنین انتظاری را از آن‌ها داشته باشیم؟ آیا زمان آن نرسیده است که مشابه کشورهای پیشرفته قفل‌ها را از دست‌های دانشگاه‌های پیشرو و برترمان باز کنیم، توانمندی‌شان را باور کنیم و ابزارها و شرایط مدیریتی لازم برای پیشرفت، رقابت و پرواز آن‌ها را در دنیای پرتلاطم امروز فراهم آوریم؟

دکتر حسن ظهور دبیر فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه صنعتی شریف:

پژوهش و سرمایه‌گذاری، کشورهای پیشرفته را در شرایط بحران نجات می‌دهد

دکتر حسن ظهور، استاد برجسته‌ی چهلمین سال بنیان‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف و دبیر کنونی فرهنگستان علوم است. دکتر ظهور تحصیلات خود را در دانشگاه شیراز به‌پایان رسانده و پس از آن مدرک دکترای مهندسی مکانیک را از دانشگاه پوردوی آمریکا کسب کرده است. وی بعد از انقلاب به ایران باز گشته و به‌عنوان استاد در دانشگاه شیراز و سپس دانشگاه صنعتی شریف به کار مشغول شده است. در پرونده‌ی کاری وی سمت‌های گوناگونی به چشم می‌خورد، معاون آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی آن زمان (وزارت علوم تحقیقات و فناوری کنونی)، دبیر شورای بازگشایی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش‌عالی، سرپرست دانشگاه‌الزهرا و رئیس دانشگاه پیام‌نور. با دکتر ظهور پیرامون فعالیت‌های علمی و آموزشی‌اش به گفت‌وگونشستیم.

دکتر ظهور می‌گوید: پس از بازگشت به ایران در دانشگاه شیراز مشغول به‌کار شدم.
از دکتر ظهور می‌پرسیم چطور شد که از دانشگاه شیراز به دانشگاه صنعتی شریف آمدید؟ وی می‌گوید: وقتی به ایران بازگشتم در دانشگاه شیراز فعالیت می‌کردم. آن زمان من از مخالفین بستن دانشگاه‌ها بودم، به همین دلیل زمانی که قرار شد دانشگاه‌ها باز شود از تهران با من تماس گرفتند و گفتند شما که مخالف بودید، اکنون بیایید و در بازگشایی دانشگاه‌ها کمک کنید. من به تهران آمدم و مسئولیت بازگشایی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش‌عالی را پذیرفتم و این سمت از سوی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به من سپرده شد.
دکتر ظهور پیرامون آغاز فعالیت در دانشگاه صنعتی شریف نیز می‌افزاید: به من پیشنهاد شد که به تهران منتقل شوم و من بین دانشگاه صنعتی شریف و دانشکده‌ی فنی تهران، دانشگاه شریف را برگزیدم و به این‌جا منتقل شدم.
از دکتر ظهور پرسیدیم که شما استاد دانشکده‌ی مکانیک در دانشگاه صنعتی شریف هستید، چه شد سرپرستی و ریاست دانشگاه پیام نور را پذیرفتید؟ دکتر ظهور در پاسخ به این پرسش می‌گوید: زمانی که دبیر بازگشایی دانشگاه‌ها بودم با شمار زیادی دانشجوی از راه دور روبه‌رو بودم که بنا به برخی قوانین و نظرات مسئولان باید در مراکز دیگر ادغام می‌شدند. من در آمریکا با شیوه‌ی آموزش از راه‌دور و آموزش‌باز آشنا شدم، بنابراین مخالف حذف این دانشجویان بودم. به‌همین خاطر شروع کردم به نوشتن آیین‌نامه‌های بنیان‌گذاری آموزش از راه‌دور و شرایط آن و دانشگاه پیام‌نور شکل گرفت،، پس از آن نیز خود مسئولیت آن را پذیرفتم و تا نزدیک به سال ۸۴ همچنان در آن‌جا فعالیت داشتم.
دکتر ظهور پیرامون موفقیت دانشگاه پیام‌نور نیز می‌گوید: این‌کار بسیار موفق بوده است، چرا که تا چند سال پیش که در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزش از راه‌دور و آموزش‌باز شرکت می‌کردم، همواره دانشگاه پیام‌نور ایران در زمره‌ی مجموعه‌های برجسته به‌شمار می‌رفت و در برابر کشورهای دیگر نمونه بود.

باور من این است که سرانه‌ی انرژی در ایران در ردیف کشورهای نخست دنیا است

همایش بین‌المللی روباتیک

گرایش‌های تخصصی دکتر ظهور، سینماتیک، دینامیک، مکانیزم‌ها، روباتیک، مهندسی‌پزشکی و کنترل است. دکتر ظهور می‌گوید: بیشتر کار من در همان زمینه‌ی مکانیزم‌ها است، روباتیک، مهندسی‌پزشکی و دیگر بخش‌ها به گونه‌ای زیرمجموعه‌ی آن به‌شمار می‌رود.
وی پیرامون فعالیت‌های پژوهشی برجسته‌اش در این زمینه می‌گوید: اگر بخواهم کاری را نام ببرم باید در زمینه‌ی مهندسی پزشکی به دوره‌ای در سال‌های پایانی جنگ اشاره کنم که برای کمک به معلولین و جانبازان با یک گروه که از همه‌ی تخصص‌ها در آن مشارکت داشتند، دست و پای مصنوعی و حسگرهای اتوماتیک برای فرمان‌دهی به دستگاه سی‌ان‌سی و... ساختیم. آن گروه پس از جنگ متأسفانه به‌کار خود ادامه نداد.
دکتر ظهور در سال‌های پایانی دوره‌ی دوم دولت آقای هاشمی معاون سازمان برنامه و بودجه بوده است و یکی از برنامه‌هایی که وی در آن دوره مدیریت کرده، تخمین انرژی کل کشور بوده است. دکتر ظهور مدیریت آن پروژه را یکی از کارهای پژوهشی بزرگ می‌داند که به انجام رسانده است. وی براین باور است که سرانه‌ی انرژی در ایران در ردیف کشورهای نخست دنیا است.

بودجه‌ی پژوهشی در اولویت نیست

دکتر ظهور بر این باور است که آن‌چه کشورهای پیشرفته را در شرایط بحران نجات می‌دهد پژوهش و سرمایه‌گذاری در این بخش است، ولی درکشور ما هنوز این امر جا نیفتاده است.
وی می‌گوید: در بدن انسان وقتی یک عضو خدای ناکرده از دست می‌رود و قطع می‌شود قلب ناخودآگاه بیشترین خون را به مغز می‌رساند. در شرایط بحرانی هم همین‌گونه است، زمانی که به بحران می‌رسیم به‌جای کاهش بودجه‌های پژوهشی باید آن را افزایش دهیم یا اگر افزایش نمی‌دهیم دست‌کم ثابت نگه داریم.
نخستین چهره‌ی ماندگار کشور در رشته‌ی مهندسی مکانیک در سال ۱۳۸۰ با انتقاد از جریان پژوهش و مسیر دانشگاه‌ها می‌گوید: یکی از دلایل نهادینه نشدن این تفکر در کشور ندیدن تأثیر پژوهش در کشور است، چرا که به‌دلیل ضعف رویکرد پژوهشی و اجرایی نشدن بسیاری از طرح‌ها جامعه و بسیاری از مسئولین، اثر پژوهش را نمی‌بینند.
وی می‌افزاید: دانشجویان ما در بسیاری از کشورها در یادگیری و درک مطالب در زمره‌ی بهترین‌ها هستند اما در پژوهش‌های آزمایشگاهی ضعیف هستند، اگرچه این ضعف قابل برطرف شدن است.

ISI تنها ملاک نیست

دکتر ظهور که خود در آیین‌نامه‌ی ارتقای آموزشی اساتید نقش داشته است، براین باور است که وزن دادن به مقاله و نادیده گرفتن موارد دیگر، کار درستی نیست و این تنها ملاک و معیار نیست.
وی با انتقاد از بسیاری از آمارهایی که رتبه‌بندی علمی را تنها از طریق شمارش مقاله‌های منتشر شده در مجلات داخلی و بین‌المللی می‌داند، می‌افزاید: در نظر گرفتن یک معیار در بررسی این رتبه‌بندی‌ها منطقی نیست، برای نمونه، وقتی می‌خواهیم تورم را اندازه بگیریم ممکن است ۴۰۰ قلم کالا را در نظربگیریم وتنها در نظرگرفتن مسکن، درست نیست. اگر رویکرد ما در ارتقا و پژوهش تنها به ISI باشد بسیاری از پژوهش‌ها در کتابخانه‌ها خاک خواهند خورد و هیچ تأثیری درجامعه بر جای نمی‌گذارند.
دبیر فرهنگستان علوم پیرامون فعالیت‌های این نهاد آکادمیک نیز می‌گوید: در برخی کشورهای دنیا آکادمی‌های علوم نقش مشورتی و پژوهشی دارند و حتی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشجو می‌گیرند و بیشتر نقش مشورتی دارند و نهاد اجرایی به شمار نمی‌روند. در برخی کشورهای دیگر، نهاد اجرایی نیز هستند و بودجه‌های پژوهشی دانشگاه‌ها را هم توزیع می‌کنند. در ایران این نهاد، مشورتی است. ما در زمینه‌های گوناگونی چون آلودگی هوا، بحران اقتصادی، انرژی، آب و... کمیته‌های گوناگونی داریم و نتایج پژوهش‌ها را به‌عنوان نظر مشورتی به مجلس و دیگر نهادها می‌دهیم.